

درس چهارم:

کوچک تر کردن موضوع

معلم درس چهارم نگارش را بدون
شرح کرد و گفته این درس، نامه و
شماره است نه با آن تفاوتهایی
گذاشته یک موضوع بزرگ و
می کردیم و هر قسمت از آن
خود می آوردیم

خرد کنیم به ریز
آب و هوا
مشاغل روستا
روستا و
حالا
است و صبح
روستا را دید
صبح روستا



کوچک‌تر کردن موضوع

معلم، درس چهارم نگارش را بدون مقدمه، شروع کرد و گفت: این درس، ادامهٔ درس قبلی شماست؛ البته با آن تفاوت‌هایی دارد. در درس گذشته، یک موضوع بزرگ و کلی را کوچک‌تر می‌کردیم و هر قسمت از آن را در بخشی از نوشتهٔ خود می‌آوردیم. در این درس، بر اساس ذوق و اطلاعات خودمان، یکی از آن تکه‌های کوچک شده را بر می‌گزینیم و دربارهٔ آن می‌نویسیم. مثلاً «روستا» یک موضوع کلی است و اگر آن را به اجزایی کوچک‌تر، خرد کنیم؛ به ریز موضوع‌های زیر، تقسیم می‌شود:

آب و هوای روستا، آداب و رسوم مردم روستا، مشاغل روستایی، نوع پوشش روستائینان، صبح روستا و...

حالا خود من که کودکیم در روستا گذشته است و صبح روستا و قوقولی قوقوی خروس‌های روستا را دوست دارم، از میان موضوع‌های خرد شده، صبح روستا را انتخاب کرده‌ام و دربارهٔ آن، چنین نوشته‌ام:

روستا، چه نام قشنگی! این نام دل‌نشین، خاطره‌ها و خیال‌هایی را برمی‌انگیزد که یاد آنها همچون چشمه، پیوسته جاری و زلال است. روستا چیزهای زیادی دارد که می‌توان درباره‌ی هر یک از آنها بسیار گفت و نوشت. چشمه‌ها، کوه‌ها، دشت‌ها، دره‌ها، کشتزارها، مرغ‌ها و خروس‌ها، بره‌ها و گوسفندها، اسب‌ها، گاو‌ها، گربه‌ها، سگ‌ها و خلاصه، آسمان زیبا و مزرعه‌های رنگارنگش و هزار و یک چیز از صفا و سادگی و صمیمیت مردمانش. اما من در اینجا از قوقولی‌های خروس سحری می‌گویم؛ پرنده‌ای آسمانی که آمدن روشنایی را زودتر از همه، درک می‌کند و مژده‌ی رسیدن خورشید را به همگان می‌دهد. بانگ خروس در سحرگاهان روستا، تنها صدای بیدارباشی است که مردم روستا را به بیداری و نماز فرا می‌خواند. در روستا همه چیز، نشان از کوشش و تلاش دارد. قوقولی قوقوی بامدادی خروس، هم زنگ اذان است و هم آغاز یک روز کار و تلاش خستگی‌ناپذیر.

خروس، پیک سحری است. روستانشینان سحرخیزانی هستند که پیش از خورشید، طلوع می‌کنند و با تلاش خود، به زندگی، گرمی و گواری می‌بخشند.

آبادانی ایران، به همین کوشندگی کارگران و کشاورزان و خرّمی دشت و طبیعتِ روستاها وابسته است.

◆ مؤلفان





حالا از شما می‌خواهم با من، قدم به قدم پیش بیایید.

- یک موضوع کلی را انتخاب کنید.
- آن را در ذهنتان به موضوع‌های کوچک‌تری تقسیم کنید.
- اکنون ببینید به کدام موضوع، علاقه بیشتری دارید و اطلاعاتتان دربارهٔ کدام موضوع بیشتر است.
- با توجه به علاقه و اطلاعات خود یکی از موضوع‌های کوچک را برگزینید.
- یک بار دیگر طبقه‌بندی نوشته (موضوع، مقدمه، بدنه و نتیجه) را در نظر بگیرید.

● پس از این مراحل، قلم را بردارید و نوشتن را آغاز کنید.
بعد از سخنان معلم؛ بیست دانش‌آموز نویسنده، با سکوتی متفکرانه، در خانهٔ خیال خود، به موضوع، اطلاعات لازم دربارهٔ موضوع و طبقه‌بندی آن می‌اندیشیدند. معلم که احساس خوبی نسبت به پیشرفت دانش‌آموزان داشت، با صدای ملایمی گفت: «هر وقت نقشهٔ ذهنی‌تان، کامل شد، می‌توانید نوشتن را آغاز کنید. شک ندارم که مزهٔ خوش نوشتن و خاطرهٔ شیرین آن، در یادتان خواهد ماند».

سپس، نوشتن آغاز شد و بیست قلم‌روان، روی کاغذ به حرکت درآمد و معلم نگارش هم، همراه دانش‌آموزان نوشتن را آغاز کرد.



◆ نوشته زیر را بخوانید و پس از بررسی دقیق، موضوع نوشته و موضوع‌های کوچک‌تر هر بند را مشخص کنید.

موضوع:

نوروز؛ یعنی روز نو، روزگار نو. شاید به همین خاطر است که با آمدن نوروز، همه چیز نو می‌شود.
مامان، با ذوق و سلیقه‌اش، فضای خانه را دگرگون می‌کند، و همه چیز را برق می‌اندازد.
بابا هم دست به نوآوری می‌زند، چیزهای نو می‌خرد، خاک باغچه را عوض می‌کند و یکی دو تا نهال یا گل رُز هم می‌کارد.
بچه‌ها لباس‌های نو می‌پوشند؛ از بزرگ‌ترها عیدی و کتاب‌های نو می‌گیرند و در مسافرتِ عید، جاهای نو و تازه را می‌بینند.
در ختان از نو شکوفه و برگ می‌کنند و از نو میوه می‌دهند. چشمه‌های زیادی از کوه، سرازیر می‌شوند که همه زلال و تازه هستند. حیوانات زیادی که در تمام زمستان در خواب بوده‌اند، بیدار می‌شوند و زندگی دوباره و نو پیدا می‌کنند.
در نوروز همه سعی می‌کنند، نو و تازه تر به نظر بیایند. خانه نو، لباس نو، پول نو، برگ و شکوفه نو، زندگی نو و ...

راستی کسی را می‌شناسید که با آمدن نوروز و نو شدن طبیعت، نگاهش را نو کند؟ یعنی به چیزهای اطرافش جور دیگری نگاه کند. سهراب سپهری در یکی از شعرهایش می‌گوید: «چشم‌ها را باید شست / جور دیگر باید دید...!»
شستن چشم‌ها چیزی است شبیه خانه تکانی عید، یا عوض کردن لباس‌های کهنه و فرسوده.

◆ مؤلفان

♦♦ یکی از موضوع‌های کلی زیر را انتخاب کنید. آن را به ریزموضوع‌هایی تقسیم کنید و درباره یکی از این ریزموضوع‌ها، متنی بنویسید.

♦ محل زندگی ما ♦ ایران ♦ آسمان شب

موضوع:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



♦♦♦ یکی از نوشته‌های گروه دیگر را انتخاب کنید و آن را براساس سنجه‌های زیر، بررسی و نقد کنید. نتیجه کار خود را در جای مشخص شده بنویسید و سپس در کلاس بخوانید.

معیارهای ارزیابی :

- ♦ پیش‌نویسی
- ♦ کوچک کردن موضوع نوشته
- ♦ رعایت طبقه‌بندی ذهن و نوشته (مقدمه، بدنه و نتیجه)
- ♦ پیراسته‌نویسی (رعایت نشانه‌های نگارشی، نداشتن غلط املائی، توجه به درست‌نویسی حاشیه‌گذاری)
- ♦ شیوه خواندن

نتیجه بررسی و داوری:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

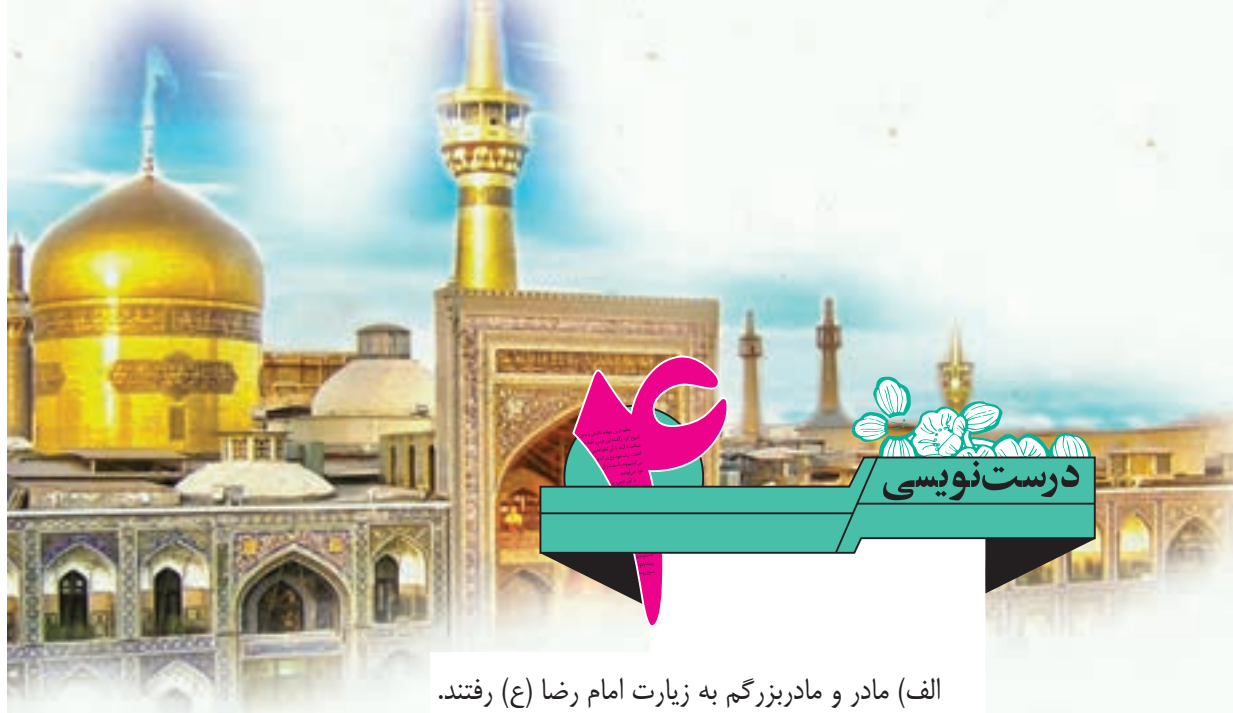
.....

.....

.....

.....





درست نویسی

الف) مادر و مادر بزرگم به زیارت امام رضا (ع) رفتند.
ب) مادر و مادر بزرگم به زیارت امام رضا (ع) رفتن.

جمله الف درست است. می‌دانیم که «مصدر» با «فعل» تفاوت دارد. فعل ویژگی شخص، شمار و زمان را بیان می‌کند و معمولاً در پایان جمله‌ها قرار می‌گیرد؛ اما مصدر این ویژگی‌ها را ندارد.

♦ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

♦ گفتن و نوشتن جدا از هم نیستن.

♦ آنها هم برای خودشان عقیده‌هایی داشتن.



♦ به دو تصویر زیر با دقت نگاه کنید؛ درباره تفاوت آنها بیندیشید و هر یک را در نوشته‌ای جداگانه توصیف کنید. معیار سنجش نوشته‌های شما تشخیص دوستانان است. یعنی زمانی که نوشته‌هایتان را در کلاس می‌خوانید، آنها باید تشخیص دهند؛ هر نوشته مربوط به کدام تصویر است.





Blank writing area with 10 horizontal lines. The area is framed by a light blue border with a diamond pattern on the sides. A light blue tab is at the top center.

Blank writing area with 10 horizontal lines. The area is framed by a light blue border with a diamond pattern on the sides. A light blue tab is at the top center.

